یادداشت

ولی این راهش نبود

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

بالاخره طبق اعلام دولت، ارز ترجیحی کالاهای اساسی از ابتدای زنجیره یعنی واردات، به انتهای زنجیره منتقل شد و آنچه سال‌ها با عنوان «حراست از معیشت مردم» شناخته می‌شد، اکنون با همان ادبیات حمایتی، اما در قالبی تازه بازتعریف شده است. استدلال هم این است چون حجم بالایی از ارز ترجیحی در ابتدای زنجیره توزیع می‌شد و سرنوشت آن در مسیر واردات، تولید و توزیع به‌درستی قابل رصد نبود، چاره‌ای جز انتقال آن به مصرف‌کننده نهایی وجود نداشت. بر همین اساس، کالابرگ یک‌میلیون‌تومانی به عنوان جایگزین معرفی شده و وعده داده می‌شود که منافع یارانه‌ای این بار مستقیم به مردم خواهد رسید.

اما مسئله در اصل نیت اعلام‌شده دولت خلاصه نمی‌شود، بلکه در منطق این تصمیم نهفته و بدیهی است استدلالی که حذف ارز ترجیحی را نتیجه ناتوانی در نظارت بر آن معرفی می‌کند، بیش از آنکه قانع‌کننده باشد، پرسش‌برانگیز است. اگر مشکل، فقدان نظارت، ضعف حکمرانی و ناکارآمدی سازوکارهای کنترلی بوده است، چرا باید صورت‌مسئله پاک شود. دولت عملاً می‌پذیرد که در مدیریت یک سیاست عمومی ناتوان بوده و به جای اصلاح مسیر، کل سازوکار را کنار گذاشته است. این منطق، اگر به قاعده تبدیل شود، می‌تواند هر سیاست حمایتی را در معرض حذف قرار دهد، صرفاً به این دلیل که اجرای آن دشوار بوده یا نظارت بر آن هزینه‌بر تلقی شده است.

انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره، در ادبیات اقتصادی ایده‌ای شناخته‌شده و در برخی کشورها نیز تجربه شده است، اما این سیاست زمانی معنا پیدا می‌کند که دولت از توان نظارتی، انسجام نهادی و اقتدار اجرایی لازم برخوردار باشد. پرسش بنیادین این است که چه تضمینی وجود دارد همان حکمرانی که نتوانست بر تخصیص ارز ترجیحی نظارت کند، اکنون بتواند بر قیمت‌گذاری، توزیع، رفتار فروشندگان و اثر واقعی کالابرگ بر معیشت مردم نظارت مؤثر اعمال کند. اگر فساد، رانت یا انحراف در بستر جدید نیز رخ دهد که احتمال آن با توجه به تجربه‌های پیشین دور از ذهن نیست، آیا دولت بار دیگر به این نتیجه خواهد رسید که این مسیر نیز باید کنار گذاشته شود! بنابراین مشکل اصلی، در کیفیت حکمرانی اقتصادی نهفته است. ارز ترجیحی به خودی خود الزاماً سیاستی غلط نبود، همان‌گونه که کالابرگ نیز ذاتاً سیاستی نادرست محسوب نمی‌شود. آنچه این سیاست‌ها را به بن‌بست می‌رساند، ضعف در شفافیت، تعارض منافع در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، ناتوانی در رصد زنجیره تأمین و فقدان اراده جدی برای برخورد با متخلفان بود. حذف یک سیاست به دلیل سوءاجرا، بدون اصلاح ساختارهای معیوب، بیش از آنکه درمان باشد، تغییر صورت مسئله است.

دولت اکنون اعلام می‌کند که برای یک خانوار چهارنفره، ماهانه ۴میلیون‌تومان اعتبار کالابرگ در نظر گرفته شده است تا ۱۱قلم کالای اساسی تأمین شود. این عدد شاید در منظر نخست قابل توجه به نظر می‌رسد، اما اقتصاد را نمی‌توان با اعداد اسمی قضاوت کرد و به قول آن بنده‌خدا، اقتصاد فقط کتاب نیست، بنابراین مسئله اصلی نسبت این رقم با سطح عمومی قیمت‌ها و روند تورم است. از طرفی هیچ تضمینی داده نشده است که همزمان با اجرای این طرح، سایر کالاها و خدمات با جهش قیمتی مواجه نشوند.

اگر هزینه مسکن، حمل‌ونقل، انرژی، آموزش و بهداشت با شتاب بیشتری افزایش یابد، اعتبار کالابرگ عملاً به سپری محدود برای چند قلم کالا تبدیل خواهد شد و خانوار ناچار می‌شود سایر نیازهای خود را فدا کند، همچنین خطر پنهان این سیاست آن است که سبد مصرفی خانوار به‌طور ناخواسته کوچک و محدود شود چراکه وقتی یارانه فقط به ۱۱قلم کالا گره می‌خورد و سایر اقلام بدون حمایت رها می‌شوند، این برداشت صورت می‌گیرد که دولت مسئولیت خود را به حداقل‌های زیستی تقلیل داده است، در نتیجه کاهش کیفیت زندگی، حذف تدریجی برخی نیازهای ضروری و تشدید نابرابری پنهان خودنمایی می‌کنند.

دولت در دفاع از سیاست جدید، بارها به فسادهای رخ‌داده در دوره ارز ترجیحی اشاره می‌کند و آن را دلیل اصلی تغییر مسیر می‌داند. این استدلال، ظاهراً منطقی جلوه می‌کند، اما در عمق خود حامل یک تناقض است. فساد، نتیجه خلأ نظارتی و ضعف پاسخگویی و نه محصول اجتناب‌ناپذیر یک سیاست حمایتی است، بنابراین اگر قرار باشد هر جا فساد رخ داد، اصل حمایت کنار گذاشته شود، نتیجه نهایی دولتی خواهد بود که از ترس سوءاستفاده، از ایفای نقش حمایتی خود عقب‌نشینی می‌کند.

مسئله دیگر، پیامدهای روانی و انتظارات تورمی ناشی از این تصمیم است. حذف ارز ترجیحی، حتی اگر با کالابرگ جبران شود، سیگنال افزایش هزینه تولید را به بازار ارسال می‌کند. تولیدکننده، واردکننده و توزیع‌کننده، پیش از آنکه یارانه به دست مصرف‌کننده برسد، قیمت‌ها را بر اساس هزینه‌های جدید تنظیم می‌کنند. در چنین شرایطی، فاصله زمانی میان افزایش قیمت‌ها و اثرگذاری واقعی کالابرگ، می‌تواند فشار قابل توجهی بر معیشت مردم وارد کند.

از منظر عدالت نیز پرسش‌های جدی‌تری مطرح است. اینکه آیا عادلانه است که حمایت دولت به چند قلم کالای مشخص محدود شود و سایر نیازهای اساسی مردم، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مسکن و درمان، به حال خود رها شوند؟ یا آیا عادلانه است که دولت به جای اصلاح نظام ارزی و اعمال اقتدار بر بازار ارز، هزینه ناکارآمدی خود را با کوچک‌سازی سبد معیشت مردم جبران کند؟ بنابراین روشن است که عدالت اقتصادی، بدون ثبات پولی و کنترل تورم، مفهومی ناقص و ناپایدار باقی می‌ماند.

از طرفی دولت مدعی است که با این سیاست، منافع یارانه‌ای به طور کامل به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود اما هنوز مشخص نیست که آیا همه آن ۱۵-۱۶میلیارد دلاری که باید صرف واردات کالاهای اساسی می‌شد، به انتهای زنجیره یعنی مصرف‌کنندگان خواهد رسید؟! بنابراین راه درست، در حذف شتاب‌زده ارز ترجیحی نیست، بلکه اصلاح عمیق سازوکار تخصیص، نظارت و پاسخگویی بود و دولت می‌توانست با تقویت نهادهای نظارتی، شفاف‌سازی زنجیره واردات تا مصرف، حذف تعارض منافع و برخورد بی‌ملاحظه با متخلفان از منافع ارزی مردم حراست کند.

با این همه، نقد این سیاست به معنای نادیده‌گرفتن نیت اعلام‌شده دولت نیست. بهبود معیشت مردم، هدفی مشروع و اساس تشکیل هر دولتی است. اگر دولت بتواند با پیگیری مستمر، اصلاح خطاها، شفاف‌سازی تصمیمات و پذیرش مسئولیت پیامدها، از لغزش این طرح جلوگیری کند، شاید بخشی از نگرانی‌ها کاهش یابد، اما این امر فقط در صورتی محقق می‌شود که دولت به جای تکرار این گزاره که «راه دیگری وجود نداشت»، بپذیرد که راه درست، دشوارتر اما ماندگارتر بود. بدیهی است سیاست‌هایی که بر پایه ساده‌سازی مسئله و انتقال هزینه‌ها به مردم طراحی شوند، در کوتاه‌مدت شاید کارکردی مقطعی داشته باشند، اما در بلندمدت به فرسایش اعتماد عمومی منجر خواهند شد. کالابرگ یک‌میلیون‌تومانی اگر قرار است به ابزار حمایت تبدیل شود، باید مکمل یک راهبرد جامع برای مهار تورم، تثبیت ارزش پول ملی و گسترش عدالت اقتصادی باشد، در غیر این صورت، این برداشت تقویت می‌شود که نیت درست بود، اما راه، همان راهی نبود که باید انتخاب می‌شد.

گزارش

هادی اسماعیلی

سیر تا پیاز یارانه یک‌میلیونی

کارشناسان امید زیادی دارند که طرح جدید دولت بتواند از هدررفت ارز که در طرح قبلی به واردکننده و تولیدکننده داده می‌شد و بسیاری از آن به سفره مردم نمی‌رسید، جلوگیری کند. ابتدا گفته شد این یارانه به دهک دهم داده نمی‌شود اما در ساعات آخر دیروز اعلام شد که به دستور رئیس‌جمهور همه ایرانیان این یارانه را دریافت می‌کنند. البته این طرح نیز مراقبت‌ها و مدیریت‌هایی می‌طلبد و اگر نامدیریتی طرح قبلی ادامه یابد، چه‌بسا این طرح نیز با مشکلاتی همراه شود

رضا دهشیری | جوان

تصمیمی که سال‌ها میان ضرورت‌های اقتصادی و ملاحظات اجتماعی معلق مانده بود، اکنون به یکی از اصلی‌ترین محورهای سیاستگذاری دولت تبدیل شده و مستقیماً با معیشت خانوارها گره خورده است. دولت با اعلام حذف ارز ترجیحی و اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی، از تغییر مسیری سخن می‌گوید که باور دارد می‌تواند یکی از ریشه‌دارترین گلوگاه‌های فساد و ناکارآمدی اقتصاد را اصلاح کند. بر اساس این طرح، یارانه کالاهای اساسی به جای تخصیص در ابتدای زنجیره واردات، به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود و هر ایرانی مشمول، ماهانه یک‌میلیون تومان اعتبار برای خرید اقلام اساسی دریافت می‌کند. دولت می‌گوید این اقدام همزمان چند هدف مهار رانت ارزی، شفاف‌سازی یارانه‌ها، ایجاد ثبات نسبی در بازار کالاهای اساسی و حفظ قدرت خرید مردم در شرایط تورمی را دنبال می‌کند، در مقابل، منتقدان با استناد به تجربه‌های گذشته هشدار می‌دهند حذف ارز ترجیحی بدون مهار بازار ارز و کنترل تورم، می‌تواند فشار معیشتی را تشدید کند و یارانه نقدی یا اعتباری را به مسکنی کوتاه‌مدت تبدیل سازد. اکنون کالابرگ یک‌میلیون تومانی به نقطه تلاقی این دو نگاه تبدیل شده است.

اجرای طرح جدید کالابرگ الکترونیکی در بستری آغاز شده است که سیاست ارز ترجیحی طی هفت سال گذشته به یکی از پرچالش‌ترین تجربه‌های اقتصادی کشورمان بدل شده بود. از ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی تا نرخ ۲۸هزارو۵۰۰تومانی، هدف اعلامی دولت‌ها همواره حمایت از معیشت مردم و کنترل قیمت کالاهای اساسی بوده است، اما آنچه در عمل رخ داد، به روایت مسئولان دولتی و برخی از کارشناسان، فاصله معناداری با این اهداف داشت. بر اساس داده‌های آماری، سالانه بین ۸/۵ تا ۱۶ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی تخصیص یافته است که برخی مدعی شده‌اند، با آن می‌شد نیاز چندین سال کشور به کالاهایی مانند گندم را تأمین کرد، با این حال افزایش قیمت کالاهای اساسی، کمبودهای مقطعی و پرونده‌های متعدد فساد نشان داد یارانه پرداختی در ابتدای زنجیره، الزاماً به مصرف‌کننده نهایی منتقل نشده است. پرونده‌هایی مانند فساد در واردات نهاده‌ها، خالی‌فروشی و سوءاستفاده از شکاف ارزی، به عنوان مصادیق این ناکارآمدی مطرح شده‌اند.

در چنین فضایی، سیاست انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره تأمین به عنوان محور بودجه سال ۱۴۰۴ انتخاب شد. دولت اعلام کرده است در این الگو، به جای تزریق ارز ارزان به واردکنندگان، معادل ریالی یارانه حذف‌شده به‌صورت مستقیم در اختیار خانوارها قرار می‌گیرد. نتیجه این سیاست، شکل‌گیری طرح کالابرگ الکترونیکی با اعتبار ماهانه یک‌میلیون تومان برای هر نفر است که امکان خرید ۱۱قلم کالای اساسی را در شبکه‌ای گسترده از فروشگاه‌های کشور فراهم می‌کند.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان متولی اصلی این طرح، از شارژ حساب افراد در مرحله نخست خبر داده است. طبق توضیحات وزیر رفاه، در ابتدای اجرای طرح، ۴میلیون تومان اعتبار به صورت یکجا برای هر نفر در نظر گرفته شده تا خانوارها در دوره گذار با شوک قیمتی مواجه نشوند. پس از این مرحله، پرداخت‌ها به‌صورت ماهانه ادامه خواهد یافت و جدول زمانبندی استفاده از اعتبار از طریق پیامک به سرپرستان خانوار اطلاع‌رسانی می‌شود. کالاهای مشمول کالابرگ شامل اقلامی همچون برنج، روغن، ماکارونی، لبنیات، گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، قند، شکر و حبوبات است که سهم بالایی در سبد مصرفی خانوار دارند و طبق گفته دولت، قیمت این کالاها بر اساس مصوبات ستاد تنظیم بازار تعیین می‌شود و در صورت افزایش قیمت‌ها، اعتبار کالابرگ متناسب با آن افزایش خواهد یافت. این وعده، یکی از کلیدی‌ترین نقاط اتکای دولت برای دفاع از این سیاست به شمار می‌رود.

شبکه توزیع کالابرگ نیز یکی از بخش‌های مهم طرح است. بر اساس اعلام رسمی، بیش از ۲۶۰هزار فروشگاه خرد و زنجیره‌ای در سراسر کشور به این سامانه متصل شده‌اند و با همکاری اتاق اصناف، تعداد فروشگاه‌ها و واحدهای سیار افزایش خواهد یافت. امکان استعلام مانده اعتبار از طریق نرم‌افزارها (اپلیکیشن‌ها)، پیام‌رسان‌های داخلی و کدهای دستوری فراهم شده است تا خانوارها بدون مراجعه حضوری، وضعیت اعتبار خود را بررسی کنند.

دولت اجرای این طرح را گامی در راستای کاهش نااطمینانی بازار کالاهای اساسی معرفی می‌کند. از نگاه سیاستگذاران، یکی از مشکلات اصلی سال‌های گذشته، نوسان در تخصیص ارز و بی‌ثباتی قیمت نهاده‌ها بوده است که برنامه‌ریزی تولیدکنندگان را با اختلال مواجه کرده و در نهایت به افزایش قیمت مصرف‌کننده منجر شده است. در الگوی جدید، تأمین ارز از مسیرهای مشخص و با نوسان کمتر انجام می‌شود و همزمان، یارانه به‌طور مستقیم به مردم پرداخت می‌شود، با این حال همزمان با اعلام رسمی حذف ارز ترجیحی، مواضع متناقض برخی دستگاه‌ها فضای ابهام‌آلودی ایجاد کرده است. وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده است ارز ترجیحی نهاده‌های دامی حذف نخواهد شد و وزارت بهداشت نیز از تداوم ارز ترجیحی دارو خبر داده است. این مواضع، نکات جدی درباره میزان واقعی منابع آزادشده و امکان تحقق پایدار وعده یارانه یک‌میلیون تومانی ایجاد کرده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که اگر بخش‌های عمده‌ای از ارز ترجیحی همچنان برقرار بماند، دولت با محدودیت منابع مواجه خواهد شد و ممکن است در ادامه مسیر، ناچار به تعدیل یا تأخیر در پرداخت‌ها شود. منتقدان سیاست جدید، فراتر از مسئله منابع، بر پیامدهای تورمی آن تمرکز دارند. تجربه حذف ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی در سال ۱۴۰۱، یکی از مهم‌ترین استنادهای این گروه است.

به گفته منتقدان، در آن دوره، افزایش قیمت نهاده‌ها به کاهش تولید، ذبح دام‌های مولد و جهش قیمت مواد غذایی انجامید و یارانه نقدی نتوانست افت قدرت خرید مردم را جبران کند. از این منظر، نگرانی اصلی آن است که حذف ارز ۲۸هزارو۵۰۰تومانی نیز به افزایش قیمت گوشت، مرغ، لبنیات و روغن منجر شود؛ کالاهایی که سهم بالایی در سبد معیشتی خانوار دارند.

برخی اقتصاددانان تأکید می‌کنند که پرداخت یارانه نقدی یا اعتباری، در شرایطی که نرخ تورم بالا و نوسانات ارزی شدید است، به سرعت اثر خود را از دست می‌دهد. آنان می‌پرسند که با یک‌میلیون تومان اعتبار ماهانه، خانوارها در صورت آزادسازی کامل قیمت‌ها، چه میزان از نیاز غذایی خود را می‌توانند تأمین کنند و آیا این مبلغ با واقعیت بازار همخوانی دارد یا خیر. این پرسش‌ها، به‌ویژه در شرایطی مطرح می‌شود که قیمت گوشت و سایر اقلام پروتئینی رشد چشمگیری داشته است.

در مقابل، حامیان طرح معتقدند تداوم سیاست ارز ترجیحی به معنای ادامه یک مسیر پرهزینه و ناکارآمد است. از نگاه آنان، پرداخت یارانه به واردات نه‌تنها به عدالت منجر نمی‌شود، بلکه زمینه رقابت ناسالم، کاهش کیفیت کالاها و فساد گسترده را فراهم می‌کند. این گروه استدلال می‌کنند که انتقال یارانه به مصرف‌کننده، شفاف‌تر است و امکان نظارت اجتماعی را افزایش می‌دهد. تجربه برخی کشورها، از جمله ترکیه به‌عنوان نمونه‌ای از موفقیت این رویکرد مطرح می‌شود، هرچند منتقدان تأکید دارند تفاوت‌های ساختاری اقتصاد ایران با این کشورها نباید نادیده گرفته شود. دولت برای پاسخ به نگرانی‌ها، بر ابزارهای نظارتی تأکید ویژه‌ای دارد. طراحی نرم‌افزارهای گزارش‌دهی مردمی، الزام فروشندگان به رعایت قیمت‌های مصوب و استفاده از ظرفیت تعزیرات حکومتی از جمله اقداماتی است که به گفته مسئولان، برای جلوگیری از تخلف پیش‌بینی شده است، با این حال تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد موفقیت این ابزارها به میزان جدیت اجرا و اعتماد عمومی وابسته است.

در مجموع، کالابرگ یک‌میلیون تومانی به نقطه‌ای حساس در سیاستگذاری اقتصادی کشورمان تبدیل شده است و دولت آن را نماد اصلاح ساختار یارانه‌ها و مقابله با رانت ارزی می‌داند و منتقدان آن را سیاستی پرریسک تلقی می‌کنند که بدون مهار بازار ارز و تورم، می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. نتیجه این تقابل دیدگاه‌ها، در تجربه روزمره خانوارها و رفتار بازار در ماه‌های آینده مشخص خواهد شد.

با این همه، فراتر از طراحی سیاست و اعلام ارقام، موفقیت هر طرح اقتصادی بیش از آنکه به عنوان و ابزار آن وابسته باشد، به کیفیت اجرا، استمرار پیگیری و اراده سیاسی دولت گره خورده است. کالابرگ الکترونیکی نیز از این قاعده مستثنی نیست. انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به مصرف‌کننده نهایی، در صورت فقدان نظارت مؤثر، هماهنگی نهادی و برخورد با گلوگاه‌های فساد، می‌تواند در عمل به همان سرنوشت سیاست‌های پیشین دچار شود که در هدف‌گذاری درست بودند، اما در اجرا از مسیر منحرف شدند. یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های موفقیت این طرح، شناسایی و حذف تعارض منافع در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجراست. تا زمانی که بخشی از بدنه اجرایی، ذی‌نفع مستقیم یا غیرمستقیم نظام توزیع، واردات یا قیمت‌گذاری باشد، هر سیاست اصلاحی در معرض استحاله قرار می‌گیرد. از این منظر، کالابرگ تنها زمانی می‌تواند به ابزار عدالت اقتصادی تبدیل شود که با پاکسازی ساختار اجرا و پاسخگویی شفاف مسئولان همراه باشد.

در کنار این مسئله، تداوم و ثبات در تصمیم‌گیری نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. تغییرات مکرر سیاست‌ها، اظهارنظرهای متناقض دستگاه‌ها و ارسال سیگنال‌های ناهمسو به بازار، می‌تواند اثر هر اقدام حمایتی را خنثی کند. بازار بیش از هر چیز، به قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد که بدون انسجام در تیم اقتصادی دولت محقق نخواهد شد. با وجود همه این ملاحظات، امید می‌رود اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی، در صورت پایبندی دولت به وعده‌ها و اصلاح مسیر در مواجهه با خطاها، بتواند گامی در راستای بهبود معیشت مردم باشد، چه آنکه فلسفه شکل‌گیری هر دولت، تأمین رفاه عمومی و کاهش فشار بر زندگی روزمره شهروندان است و سنجش نهایی این سیاست نیز در سفره خانوارها معنا پیدا خواهد کرد.

مزایده شماره ۱۴۰۴/۰۸ – فروش املاک مازاد
اداره امور شعب بانک ملی استان اردبیل

اداره امور شعب استان اردبیل

از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) متقاضیان خرید برای دریافت اطلاعات بیشتر و تهیه اسناد مزایده از ساعت ۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ و ارایه پیشنهادات تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir و به شماره مزایده ۲۰۰۴۰۰۱۳۸۷۰۰۰۰۰۸ و از تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ به پایگاه اینترنتی بانک ملی ایران به نشانی www.bmi.ir مناقصه مزایده مزایده ها مراجعه نمایند.

بانک ملی ایران
اداره امور شعب استان اردبیل

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نظر دارد اجرای عملیات ساختمانی احداث ۱۰ مرکز کاربنیان ، مطابق نقشه های مصوب خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط (حداقل رتبه ۵ ابنیه) واگذار نماید. لذا اشخاص حقوقی واجد شرایط می توانند ضمن بازدید از محل های انجام کار و شرایط کار و هماهنگی اداره کل فنی و طرح های عمرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۷۱۷۱۰۵۰۰۷ بانک ملی شعبه خیابان آزادی رجایی شهر بابت خرید اسناد مناقصه (غیرقابل استرداد) ، جهت دریافت اسناد با مراجعه به دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در کرج - انتهای رجایی شهر - بلوار شهید موذن - ساختمان اداری طبقه سوم در مناقصه شرکت نمایند.

سایر شرایط:
۱- آخرین مهلت بازدید، خرید اسناد، تکمیل و تحویل فرم اسناد و پیشنهاد قیمت ، تا ده روز کاری پس از تاریخ آگهی روزنامه می باشد.
۲- هزینه درج آگهی در روزنامه ها و فضای مجازی به عهده برنده مناقصه می باشد.
۳- شرکت کنندگان در مناقصه ملزم به واریز مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت در مناقصه به صورت نقدی به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۷۱۷۱۰۵۰۰۷ بانک ملی یا ضمانتنامه بانکی مطابق اسناد می باشند.
۴- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
۵- سایر شرایط در فرم اسناد مناقصه مندرج و برای تمامی شرکت کنندگان الزام آور است.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی – واحد کرج

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یکباب مغازه پلاک شماره ۲۰۳۳ فرعی از ۱۷/۳۶۱ واقع در رهنان بخش ۱۴ ثبت اصفهان که طبق پرونده ثبتی به نام سید مصطفی موسوی فرزند سید محسن در جریان ثبت است ، به علت عدم حضور متقاضی ثبت به عمل نیامده ، اینک بنا به دستور قسمت اخیر از ماده ۱۵ قانون ثبت و بر طبق تقاضای نامبرده تحدید حدود ملک مرقوم در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۷ ساعت ۹ در محل شروع و به عمل خواهد آمد ، لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین ومجاورین اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند ، اعتراضات مجاورین وصاحبان املاک مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد و طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضی ثبت معترض ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره بایستی با تقدیم دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به این اداره تسلیم نماید.

ابوالفضل شهریاری نایینی مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک غرب اصفهان
از طرف حمید رضا زمانی
شناسه آگهی: ۲۰۸۸۱۵۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

شناسه آگهی: ۲۰۸۸۹۴۸

آگهی مناقصه عمومی -- یک مرحله ای (یک نوبته)
موضوع مناقصه: خرید سنگ

سازمان نوسازی و بهسازی شهر قزوین در نظر دارد نسبت به انجام "خرید سنگ" (شامل بارگیری، حمل و تخلیه)، (جهت انجام پروژه ساماندهی خیابان عبید زاکانی قزوین) به شرح جزئیات مندرج در اسناد مناقصه و با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. متقاضیان می توانند پس از انتشار فراخوان، جهت آگاهی و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی فوق مراجعه نمایند. لازم است مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- شماره ثبت مناقصه در سامانه ستاد ایران: ۲۰۰۴۰۰۵۰۸۴۰۰۰۰۲۳
- زمان بارگذاری اسناد در سامانه ستاد ایران: ۱۵ دی ماه ۱۴۰۴
- مهلت زمان برداشت اسناد از سامانه: از تاریخ ۱۵ دی ماه تا ۲۵ دی ماه ۱۴۰۴
- آخرین مهلت بارگذاری اسناد در سامانه: تا تاریخ ۶ بهمن ماه ۱۴۰۴
- زمان بازگشایی پاکات "الف"، "ب" و "ج": سه شنبه ۷ بهمن ماه، ساعت ۹ صبح، مجموعه فرهنگی و تاریخی سعدالسلطنه - حجره ۴۰

برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت اسناد مناقصه، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، انصراف از شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، پذیرش برنده بودن، پرداخت تعرفه سامانه و ... در بستر سامانه می باشد.

پاکات "الف" و "ب" و "ج" می بایست در سامانه بارگذاری و اصل تضمین شرکت در مناقصه (پاکت "الف") به دبیرخانه سازمان نوسازی و بهسازی تحویل گردد.

- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: آدرس قزوین - خیابان امام خمینی (ره) - جنب کوچه شهیدان محمودیان (داروخانه دکتر عزیزی) - عمارت طوطی پلاک ۴۷ - سازمان نوسازی و بهسازی شهر قزوین . تلفکس ۰۲۸۳۳۲۴۶۶۵۴ و ۰۲۸۳۳۲۴۷۶۵۵
- پرداخت هزینه آگهی یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار به عهده برنده مناقصه می باشد.

سازمان نوسازی و بهسازی شهر قزوین

امور مشترکین و توزیع
روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵